

مجموعه شعر

اولی برآمده

کتابخانه اعلام و رسد

۲۱۵۴۶۹۰
۹۹-۵۱۶

شماره کتاب : ۱۳۷۷۲۱۷۷۱۳۰
بهادر حسن زاده سلمان

سرشناسه : حسن‌زاده سامانی، بهادر، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پدیدآور : از دل برآمده (مجموعه شعر) / بهادر حسن‌زاده سامانی.

مشخصات نشر : شهرکرد: انتشارات جهانگرد، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری : ۹۶ ص؛

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۷۸۳-۲

نوعیت فهرست نویسی : فینیا

موضوع : شعر فارسی-- قرن ۱۴

موضوع : Persian poetry -- 20th century

بندی کتب : PIR ۸۳۴۱

رده بندی دیویی : ۸ ۱/۶۲

شماره کتابشناسی : ۶۱۲۱۴۶۵



از دل برآمده

☐ سراینده: بهادر حسن‌زاده سامانی

☐ طراح جلد: آتلیه نشر

☐ صفحه‌آرا: هاجر حسن‌زاده

☐ لیتوگرافی: سروش شهرکرد

☐ چاپ: نقشینه

☐ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

☐ چاپ نخست: ۱۳۹۹

☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۶۷۸۳-۲

■ شهرکرد، شهرکرد، سرچشمه‌ها، شانزده متری ششم، کوچه ۶ پلاک ۲۴

همراه: ۰۹۱۳۷۲۱۷۷۱۳

● کلیه حقوق محفوظ است.

فهرست اشعار

۱۱	 اختیار
۱۳	 افسانه
۱۵	 آشوب
۱۷	 بت پرست
۱۹	 زن
۲۳	 بیم و امید
۲۵	 پیغام
۲۷	 تابستان عشق
۲۹	 مدح استاد جواد مهربان
۳۱	 جواب تبریک گفتن مادری برای تولد دخترش

۳۳		خلیج فارس
۳۶		دختر شرقی
۳۸		رود
۴۰		زلزله
۴۲		بنا عشق
۴۴		شبن سخن
۴۶		فتوا
۴۹		نهایت بار
۵۱		عطر مادر
۵۳		گرمای پدر
۵۶		لب
۵۸		طعم عشق
۶۰		مرهم اعلا
۶۲		دعا
۶۴		بحر کمال
۶۶		بال عشق
۶۸		تقدیم به استاد مراد علی توکلی
۷۰		انتظار
۷۱		دعای خیر
۷۲		نقصان
۷۳		یاد
۷۴		امر واجب
۷۵		دلخوری

۷۶	شور شعر
۷۷	جان من
۷۸	الماس
۷۹	حسادت
۸۰	صانع
۸۱	جر
۸۲	بره‌ی خالی
۸۳	سنگ
۸۴	تبار
۸۵	جواب استاد
۸۶	حاصل شعر
۸۷	حالت دل
۸۸	سبب شعر
۸۹	حسرت دیدن
۹۰	قمر
۹۱	نرخ گوهر
۹۲	تحفه جان
۹۳	حسرت بوسه
۹۴	بنای بناگوش
۹۵	عشق و نفس

نهرس متاع (الفیابی)

- از حالِ دَلَمِ مگو که عاشقِ شده‌ام ۶۴
- از شعرِ ما چه حاصلِ الا من و تو گاهی ۸۶
- این خلیجی که به نامِ پارس گردیده عَجین ۳۳
- این نه من باشم که گویم بهر تو اشعارِ خود ۸۸
- این گونه که از رندی و باده شده تفهیم ۱۷
- با یاد تو من همی پر از ایمانم ۷۳
- باشد که تو را باشد یاری چو من ای جانا ۴۴
- بس به زیبایی عشق است آنچه که کردی بیان ۳۱

- ۸۲ به سر سفره‌ی خالی پدرم شرم نمود
- ۸۱ بُود یک دختر شرقی مسبب بهر شاعرها
- ۷۱ تا شب شده روز و می‌رود این ایام
- ۵۳ تا که چشمم را گشودم بر جهان رنگ‌رنگ
- ۷۷ تو آن منی و بهر من صیادی
- ۶۲ تو صلاح من خدا داد، به دعای من بگنجان
- ۷۲ تو کارهای من در که نقصان دارم
- ۷۸ تو که هستی سران شتری بر نگین
- ۷۶ تو مسبب شده‌ای شرم مرا سر مرا
- ۴۲ چشم بر راه شدم تا که بیایم شاید
- ۶۰ چه بگویم که چگونه است کنون حال دلم
- ۹۴ چه بنایی که پس از این بنهم بر شرم
- ۷۵ حالا که نشسته‌ام در اندوه و محن
- ۸۹ حسرت دیدن تو در نظر من مانده
- ۸۴ دختر شرقی تو هستی از تبار مهر و ماه
- ۳۶ در دل شب که صفایی به دل عاشق ما
- ۹۳ در حسرت بوسیدن گویی روانم می‌رود
- ۸۷ دوست دارم و از دل به زبان می‌آرم
- ۷۰ رفتی و چه گفتمی برایت دارم

- ۹۰ روی تو مثل پری، ای غم تو بر جگر
- ۴۰ زلزله ویران نموده شهر کرمانشاه مان
- ۱۹ زن مگو یک عالمی مقبولِ مَرَد
- ۹۵ شاه مهری و مُحبت و به جُز تو چه کسی
- ۶۸ شایِ مه بانِ اُستادی سخنور بودم و گویا
- ۲۹ شر گفتن یک هنر باشد و گاهی شاعران
- ۴۶ شیرینیِ انم ها بشمر بکند ما را
- ۸۰ صنع خدای خالق ت که نگاه می کنم
- ۵۱ عطر گل های بهشت است عطرِ ایش و کم
- ۱۵ غمی بردل و آشوبی چه ایسی دمی بدم
- ۳۸ فریاد زدم حیف تو هرگز نشنیدی
- ۴۹ فصل پاییز و خزان و برگ های زرد زرد
- ۲۳ کاش بودی همه ایام چو یک عید سعید
- ۷۴ کاش جوابی بود بهر هر سلام
- ۹۲ گر که گوید یار من هر دم ثنای چون منی
- ۲۵ من به بندم چون اسیران، ای که بنمودی جفا
- ۲۷ منم با تو سحر خواهیم کنم یک شب
- ۶۶ می برد بر آسمان ها عاشقی، ما را چو بال
- ۵۶ ناز چشمش شیر گیرد که نباشد این عجب

- نرخ گوهر را شکستی این چه دارد سببی ۹۱
- نه آن گونه رندم که دیوانه وار ۵۸
- هر کس به کنار تو دمی بنشیند ۷۹
- هر چند دویدی تو به من تا که رسیدی ۸۵
- هم اختیار من بود و چه کرده ام در اینجا ۱۱
- هم شمشیر از بس آن بوسه پریده ۱۳
- وای بهاهار لاله با شده از آتش دل ۸۳